بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن - 25 /آذر/ 1371

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

ولادت بانوی دو عالم و سیده‌ی زنان همه‌ی تاریخ، صدیقه‌ی کبری سلام‌الله‌علیها را به شما خواهران و برادران و به همه‌ی زنان و مردان حق‌جو و حق‌طلب در سراسر عالم، تبریك عرض می‌كنم. همچنین، خوشامد عرض می‌كنم به همه‌ی شما برادران و خواهران كه از مراكز مختلف - اعم از دانشگاهی و فرهنگی و سیاسی و خانواده‌های محترم شهدا - این مجلس را به یاد آن بزرگوار تشكیل دادید و این اجتماع را فراهم آوردید.

درباره‌ی زهرای اطهر سلام‌الله‌علیها، هرچه انسان بیشتر فكر كند و در حالات آن بزرگوار تدبر كند، بیشتر دچار شگفتی خواهد شد. انسان نه فقط از این جهت تعجب می‌كند كه چطور یك انسان در سنین جوانی می‌تواند به این رتبه از كمالات معنوی و مادی نایل شود - كه البته این، خود، یك حقیقت شگفت‌انگیز است - بلكه بیشتر از این جهت در عجب است كه اسلام با چه قدرت عجیبی توانسته است تربیت والای خود را به حدی برساند كه یك زن جوان، در آن شرایط دشوار، بتواند این منزلت عالی را كسب كند! هم عظمت این موجود و این انسان والا شگفت‌انگیز است، هم عظمت مكتبی كه این موجود عظیم‌القدر و جلیل‌المنزلة را پدید آورده است، تعجب آور و شگفت‌انگیز است.

تولد این دختر بزرگوار پیغمبر - به طور مشهور - در سال پنجم بعثت است ؛ كه با این حساب، در هنگام شهادت، فاطمه‌ی زهرا هجده سال داشته است. بعضی هم تولد ایشان را در سال دوم یا سال اول بعثت گفته‌اند ؛ كه با این حساب، حداكثر سن این بزرگوار در آن هنگام، بیست‌ودو، سه سال می‌شود. شما یك زن را، با همه‌ی محدودیتهایی كه از جهات مختلف ممكن است برای او وجود داشته باشد - بخصوص در آن دورانها - در نظر بگیرید و آن‌وقت ببینید كه این بانوی مكرم، چه عظمتی را در آن شرایط، در طول این عمر كوتاه نشان داده است.

البته من از جنبه‌های معنوی و روحی و الهی آن بزرگوار حرفی نمی‌توانم بزنم. من كوچكتر از این هستم كه آن جنبه‌ها را درك كنم. حتی اگر كسی درك هم بكند، نمی‌تواند آن چنان كه حق آن حضرت است، او را توصیف و بیان كند. آن جنبه‌های معنوی، عالم جداگانه‌ای است.

از امام صادق علیه‌الصّلاة‌والسّلام روایت شده است كه فرمود: «ان فاطمة كانت محدثة (41) ؛ » آن بزرگوار «محدثه» بود. یعنی فرشتگان بر او فرود می‌آمدند، با او مأنوس می‌شدند و با او سخن می‌گفتند. این، مشخصه‌ای است كه روایات متعددی درباره‌ی آن وجود دارد. «محدثه» بودن مخصوص شیعه هم نیست. شیعه و سنی معتقدند كه در دوران اسلام، كسانی بوده‌اند یا می‌توانسته‌اند وجود داشته باشند كه فرشتگان با آنها سخن بگویند. مصداق این در روایات ما، فاطمه‌ی زهراست. در روایت امام صادق علیه‌الصّلاة‌والسّلام چنین است كه فرشتگان الهی نزد فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها می‌آمدند ؛ با او حرف می‌زدند و آیات الهی را بر او می‌خواندند ؛ همان تعبیراتی كه نسبت به مریم، علیهاسلام در قرآن هست كه: «ان الله اصطفیك و طهرك و اصطفیك علی نساء العالمین (42).» این عبارات را فرشتگان به فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها خطاب می‌كردند و می‌گفتند: «یا فاطمة، ان الله اصطفیك و طهرك ؛ »

خدا تو را برگزیده و پاك قرار داده است. «و اصطفيك على النساء العالمين ؛ » تو را بر زنان عالم برتری داده است. بعد امام صادق، علیه‌الصّلاةوالسّلام، در همین روایت می‌فرماید: یك شب که ملائکه با آن حضرت مشغول صحبت بودند و این تعبیرات را می‌کردند، فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها به آنها فرمود: «أليست المفضلة على نساء العالمين مريم؟» یعنی آن زنی که خدای متعال فرموده است «و اصطفيك على نساء العالمين» آیا مریم نیست که خدا او را بر زنان عالم برگزید؟ ملائکه در جواب، به فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها عرض کردند: «مریم نسبت به زنان دوران خودش برگزیده بود و تو نسبت به زنان همه‌ی دورانها - از اولین و آخرین - برگزیده هستی». این چه مقام معنوی والایی است! انسان عادی - مثل ما - نمی‌تواند این عظمت و رتبه را به درستی، حتی در ذهن خود، تصور کند. یا در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌الصّلاةوالسّلام، نقل شده است که فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها به ایشان می‌گوید: «ملائکه می‌آیند و مطالبی را به من می‌گویند.» امیرالمؤمنین به ایشان می‌گوید: «وقتی صدای ملك را شنیدی، به من بگو تا آنچه را می‌شنوی بنویسم.» و امیرالمؤمنین، آنچه را که ملائکه به فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها املا می‌کردند نوشت و این، کتابی شد که در نزد ائمه‌ی ما علیهم‌السّلام بود و هست و «مصحف فاطمة» یا «صحيفة فاطمة» نامیده می‌شود.

در روایات متعددی است که ائمه علیهم‌السّلام، برای مسائل گوناگون خود، به «مصحف فاطمه» رجوع می‌کردند. بعد امام می‌فرماید: «انه ليس فيها حلال و حرام» ؛ در این کتاب، احکام حلال و حرام نیست. اما «فيها علم ما يكون» ؛ بلکه همه‌ی حوادث جاری بشری در دورانهای آینده، در این کتاب هست. این، چه دانش والایی است! این، چه معرفت و حکمت بی‌نظیری است که خدای متعال به یك زن در سنین جوانی بخشیده! این، مربوط به مسائل معنوی است.

این مسائل معنوی تا حدود زیادی به فضایل عملی ارتباط پیدا می‌کند. یعنی به آنچه که از تلاش فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها ناشی می‌شود. مفت نمی‌دهند و بدون دلیل نمی‌بخشند. عمل انسان - در حد بالایی - در احراز فضایل و مناقب تأثیر می‌کند. دختری که در کوره‌ی گداخته‌ی مبارزات سخت پیغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابی‌طالب یار و غمگسار پدر بود. دختری حدوداً هفت، هشت ساله یا دو، سه ساله - بنابر اختلاف روایات، کمتر و بیشتر - در شرایطی که خدیجه و ابوطالب از دنیا رفتند، آن شرایط دشوار را تحمل کرد. پیغمبر تنهاست، بی‌غمگسار است، همه به او پناه می‌آورند ؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره‌ی خود او بزداید؟ یك‌وقت خدیجه بود، که حالا نیست. ابوطالب بود، که حالا نیست. در چنین شرایط دشواری، در عین آن گرسنگیها و تشنگیها و سرما و گرمای دوران سه‌ساله‌ی شعب ابی‌طالب که از دورانهای سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در دره‌ای با همه‌ی مسلمانان معدود، در حال تبعید اجباری زندگی می‌کردند ؛ این دختر مثل یك فرشته‌ی نجات برای پیغمبر ؛ مثل مادری برای پدر خود ؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ، مشکلات را تحمل کرد. غمگسار پیغمبر شد، بارها را بر دوش گرفت، عبادت خدا را کرد، ایمان خود را تقویت کرد، خودسازی کرد و راه معرفت و نور الهی را به قلب خود باز کرد. اینهاست آن ویژگیهایی که آدمی را به کمال می‌رساند. بعد هم در دوران پس از هجرت، در آغاز سنین تکلیف، وقتی فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها، با علی‌بن‌ابیطالب علیه‌الصّلاةوالسّلام، ازدواج می‌کند، آن مهریه و آن جهیزیه‌ی اوست ؛ که همه شاید می‌دانید که با چه سادگی و وضع فقیرانه‌ای، دختر اول شخص دنیای اسلام، ازدواج خود را برگزار می‌کند.

زندگی فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها از همه‌ی ابعاد، زندگی‌ای همراه با کار و تلاش و تکامل و تعالی روحی یك انسان است. شوهر جوان او دائماً در جبهه و میدانهای جنگ است ؛ اما در عین مشکلات محیط و زندگی، فاطمه‌ی زهرا

سلام‌الله علیها، مثل کانونی برای مراجعات مردم و مسلمانان است. او دختر کارگشای پیغمبر است و در این شرایط، زندگی را با کمال سرافرازی به پیش می‌برد: فرزندانی تربیت می‌کند مثل حسن و حسین و زینب ؛ شوهری را نگهداری می‌کند مثل علی و رضایت پدری را جلب می‌کند مثل پیغمبر! راه فتوحات و غنایم که باز می‌شود، دختر پیغمبر ذره‌ای از لذتهای دنیا و تشریفات و تجملات و چیزهایی را که دل دختران جوان و زنها متوجه آنهاست، به خود راه نمی‌دهد. عبادت فاطمه‌ی زهرا، سلام الله علیها، یك عبادت نمونه است.

«حسن بصری» که یکی از عباد و زهاد معروف دنیای اسلام است، درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها می‌گوید: به قدری دختر پیغمبر عبادت کرد و در محراب عبادت ایستاد که «تورمت قدماها (43)». پاهای آن بزرگوار از ایستادن در محراب عبادت، ورم کرد! امام حسن مجتبی علیه‌الصّلاة‌والسّلام می‌گوید: شبی - شب جمعه‌ای - مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حتی انفجرت عمود الصبح». تا وقتی که طلوع فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن، علیه‌الصّلاة‌والسّلام، می‌گوید - طبق روایت - شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد ؛ مردم را دعا کرد ؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «یا اماه!» ؛ «مادرم!» «لم لا تدعین لنفسك کما تدعین لغیرك (44) ؛ » «یك دعا برای خودت نکردی! یك شب تا صبح دعا، همه برای دیگران!؟» در جواب فرمود: «یا بنی، الجار ثم الدار (45) ؛ » «اول دیگران بعد خود ما!» این، آن روحیه‌ی والاست.

جهاد آن بزرگوار در میدانهای مختلف، یك جهاد نمونه است. در دفاع از اسلام ؛ در دفاع از امامت و ولایت ؛ در حمایت از پیغمبر ؛ در نگهداری بزرگترین سردار اسلام، یعنی امیرالمؤمنین که شوهر او بود.

امیرالمؤمنین درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها فرمود: «ما اغضبنی و لا خرج من امری. (46)» یك‌بار این زن در طول دوران زناشویی، مرا به خشم نیاورد و یك‌بار از دستور من سرپیچی نکرد. فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها با آن عظمت و جلالت، در محیط خانه، یك همسر و یك زن است ؛ آن‌گونه که اسلام می‌گوید. در محیط علم هم یك دانشمند والاست. آن خطبه‌ای که فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها در مسجد مدینه، بعد از رحلت پیغمبر ایراد کرده است، خطبه‌ای است که به گفته‌ی علامه‌ی مجلسی، «بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند!» این‌قدر پرمغز است! از لحاظ زیبایی هنری، مثل زیباترین و بلندترین کلمات نهج‌البلاغه است. فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها می‌رود در مسجد مدینه، در مقابل مردم می‌ایستد و ارتجالاً حرف می‌زند! شاید یك ساعت، با بهترین و زیباترین عبارات و زبده‌ترین و گزیده‌ترین معانی صحبت کرده است.

آن عبادتش ؛ آن فصاحت و بلاغتش ؛ آن فرزانگی و دانشش ؛ آن معرفت و حکمتش ؛ آن جهاد و مبارزه‌اش ؛ آن رفتارش به عنوان یك دختر ؛ آن رفتارش به عنوان یك همسر ؛ آن رفتارش به عنوان یك مادر ؛ آن احسانش به مستمندان، که وقتی پیغمبر پیرمرد مستمندی را به درخانه‌ی امیرالمؤمنین فرستاد که «برو حاجتت را از آنها بخواه»، فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها تخته‌ی پوستی را که حسن و حسین روی آن می‌خوابیدند و به عنوان زیرانداز فرزندان خود در خانه داشت و چیزی جز آن نداشت، به سائل داد و گفت «ببر بفروش و از پول آن استفاده کن!» این، شخصیت جامع‌الاطراف فاطمه‌ی زهراست. این، الگوست. الگوی زن مسلمان این است. زن مسلمان باید در راه فرزانگی و علم تلاش کند ؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند ؛ در میدان جهاد و مبارزه - از هر نوع جهاد و مبارزه‌ای - پیشقدم باشد ؛ نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم‌ارزش، بی‌اعتنا باشد ؛ عفت و عصمت و طهارتش در

حدی باشد که چشم و نظر هرزه‌ی بیگانه را به خودی خود دفع کند ؛ در محیط خانه، دلارام شوهر و فرزندانش باشد ؛ مایه‌ی آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد ؛ در دامن پرمهر و پرعطوفت و با سخنان پرنکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند ؛ انسانهای بی‌عقده، انسانهای خوش روحیه، انسانهای سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامان او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیتهای جامعه را به‌وجود آورد. مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و باارزشتر است. بزرگترین دانشمندان، ممکن است مثلاً يك ابزار بسیار پیچیده‌ی الکترونیکی را به وجود آورند، موشکهای قاره‌پیما بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند ؛ اما هیچ يك از اینها اهمیت آن را ندارد که کسی يك انسان والا به‌وجود آورد. و او، مادر است. این، آن الگوی زن اسلامی است.

دنیای استکباری سرشار از جاهلیت، در اشتباه است که خیال می‌کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان آرایش کند تا چشمهای هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع گیرند و او را تحسین نمایند. بساط آن چیزی که امروز به‌عنوان «آزادی زن» در دنیا و از سوی فرهنگ منحط غربی پهن شده است، بر پایه‌ی این است که زن را در معرض دید مرد قرار دهند تا از او تمتعات جنسی ببرند. مردان از آنها لذت ببرند و زنها وسیله‌ی التذاذ مردان شوند. این، آزادی زن است؟ کسانی که در دنیای جاهل و غافل و گمراه تمدن غربی ادعا می‌کنند طرفدار حقوق بشرند، در حقیقت ستمگران به زن هستند. زن را به چشم يك انسان والا نگاه کنید، تا معلوم شود که تکامل و حق او و آزادی او چیست. زن را به‌عنوان موجودی که می‌تواند مایه‌ای برای صلاح جامعه با پرورش انسانهای والا شود نگاه کنید، تا معلوم شود که حق زن چیست و آزادی او چگونه است. زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید ؛ که خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوقش در چیست.

از روزی که اروپاییها، صنایع جدید را به‌وجود آوردند - در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه‌داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده بودند - و احتیاج به نیروی کار ارزان و بی‌توقع و کم‌دردسر داشتند، زمزمه‌ی «آزادی زن» را بلند کردند ؛ برای این‌که زن را از داخل خانواده‌ها به درون کارخانه‌ها بکشانند ؛ به عنوان يك کارگزار ارزان از او استفاده کنند، جیبهای خودشان را پر کنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیندازند. امروز آنچه که به عنوان «آزادی زن» در غرب مطرح است، دنباله‌ی همان داستان و همان ماجراست. لذا ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی‌سابقه است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده است، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است. زن را به عنوان وسیله‌ی التذاذ مردان معرفی کردند و اسمش را «آزادی زن» گذاشتند! در حالی که به واقع آزادی مردان هرزه برای تمتع از زن و نه آزادی زن بود. نه فقط در عرصه‌ی کار و فعالیت صنعتی و امثال آن، بلکه در عرصه‌ی هنر و ادبیات هم به زن ظلم کردند. شما امروز، در داستانها، در رمانها، در نقاشیها، در انواع کارهای هنری نگاه کنید، ببینید با چه دیدی به زن نگریسته می‌شود؟ آیا جنبه‌های مثبت و ارزشهای والایی که در زن هست، مورد توجه قرار می‌گیرد؟ آیا آن عواطف رقیق، آن مهربانی و خوی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته است - خوی مادری، روحیه‌ی نگهداری از فرزند و تربیت فرزند - مورد توجه است یا جنبه‌های شهوانی و به تعبیر آنها عشقی؟ (که این تعبیر غلط و نادرستی است. این شهوت است نه عشق!) زن را این‌گونه خواستند پرورش و عادت دهند: به‌عنوان يك موجود مصرف‌کننده. مصرف کننده‌ی دست و دل باز و کارگر کم‌توقع و کم‌طلب و ارزان.

اسلام اینها را برای زن ارزش نمی‌داند. اسلام با کار کردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آن‌جا که مزاحم با شغل اساسی و مهمترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یك کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد! اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند. تکبر از همه‌ی انسانها مذموم است، مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم! زن باید در مقابل مرد نامحرم متکبر باشد. « (47)فلا تخضعن بالقول» ؛ در حرف زدن مقابل مرد نباید حالت خضوع داشته باشد. این، برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را می‌خواهد و این الگوی زن مسلمان است.

شما ببینید وقتی زن مسلمان به فطرت و به اصل خود برمی‌گردد، چه معجزه‌ی عظیمی درست می‌کند! آن‌چنان که در انقلاب ما و در نظام اسلامی ما بحمدالله مشاهده شد و امروز هم مشاهده می‌شود. ما کجا آن قدرت و عظمت را از زنان دیده بودیم که امروز از مادران شهدا می‌بینیم؟ کجا ما آن فداکاریها را از زنان جوان دیده بودیم، که با فرستادن همسران محبوبشان به جبهه‌های جنگ، آنها با خاطر آسوده در این میدانها باشند؟ این، عظمت اسلام است که در چهره‌ی زنان انقلابی ما، در دوران انقلاب و امروز، بحمدالله آشکار است. تبلیغ نکنند که با حفظ حجاب، با حفظ عفت، با خانه‌داری و با تربیت فرزند، انسان نمی‌تواند کسب علم کند. ما امروز بحمدالله چقدر زنان دانشمند و عالم در رشته‌های مختلف در جامعه‌مان داریم: دانشجویان کوشا و با استعداد و با ارزش، فارغ‌التحصیلان سطح بالا، پزشکان ممتاز و طراز بالا! امروز در جمهوری اسلامی رشته‌های گوناگون علمی در اختیار خانمهاست ؛ زنهایی که عفاف و عصمتشان را هم حفظ کردند، طهارت زنانه را هم حفظ کردند، حجاب را هم - به شکل کامل - حفظ کردند، به تربیت فرزند هم به شیوه‌ی اسلامی می‌رسند، شوهرداری را نیز همان‌طوری که اسلام گفته است انجام می‌دهند، فعالیت علمی و سیاسی هم می‌کنند. الان در بین شما - مجموع خانمهایی که این‌جا تشریف دارید - عده‌ی زیادی هستند که فعالیتهای سیاسی و اجتماعی دارند ؛ آن هم فعالیتهای ممتاز و برجسته ؛ چه خانمهای مجرد، چه خانمهایی که متأهلند و همسران آنها افتخار می‌کنند و باید هم افتخار کنند که زنهایشان در میدانهای گوناگون پیشتازند. با روحیه‌ی اسلامی و در محیط اسلامی، زن می‌تواند به کمال واقعی خود برسد ؛ دور از آن هرزگیها، دور از آن تجمل‌گراییها و دور از پست‌شدن و حقیرشدن در مقابل مصرف.

من به خانمهای مسلمان، به خانمهای جوان و به خانمهای خانه‌دار عرض می‌کنم: سراغ این مصرف‌گرایی که غرب مثل خوره به جان جوامع دنیا و از جمله جوامع کشورهای در حال توسعه و کشورهای رو به پیشرفت و از جمله کشور ما انداخته است، نروید. مصرف باید در حد لازم باشد، نه در حد اسراف. خانمهای کسانی که همسرانشان یا خودشان مسؤولیتهایی در بخشهای مختلف کشور دارند، باید از لحاظ دوری از اسراف، نسبت به دیگران الگو باشند. باید برای دیگران درس باشند و نشان دهند که شأن زن مسلمان بالاتر از این حرفهاست که اسیر زر و زیور و جواهر آلات و از این قبیل شود. نمی‌خواهیم بگوییم اینها حرام است ؛ می‌خواهیم بگوییم شأن زن مسلمان بالاتر از این است که در دورانی که بسیاری از مردم جامعه‌ی ما محتاج کمکند، کسانی بروند پول بدهند طلا بخرند، زینت‌آلات بخرند، وسایل زندگی رنگارنگ بخرند و در انواع و اقسام روشها و منشهای زندگی، اسراف کنند. اسراف، الگوی زن مسلمان نیست.

این، یکی از آن میدانهایی است که ما در مقابل دنیای استکباری مدعی هستیم. من بارها به گویندگان و مبلغین قضیه‌ی زن عرض کرده‌ام: این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم ؛ این فرهنگ منحط غرب است که

باید از خودش دفاع کند. آنچه را که ما برای زن عرضه می‌کنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند با انصافی نمی‌تواند منکر شود که «این برای زن خوب است.» ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه - برای آن‌که چشم او لذت نبرد - دعوت می‌کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است. آنهایی که زن را تشویق می‌کنند که خود را به گونه‌ای آرایش دهد که مردان کوچه و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را ارضا کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایین می‌آورند و تذلیل می‌کنند؟! آنها باید جواب بدهند. فرهنگ ما، فرهنگی است که انسانهای والا و اندیشمند غرب هم آن را می‌پسندند و رفتارشان همین‌طور است. در آن‌جا هم خانمهای عفیف و سنگین و متین و زنهایی که برای خودشان ارزشی قائلند، حاضر نیستند خودشان را برای ارضای غرایز شهوانی بیگانگان و هرزه‌چشمها وسیله‌ای قرار دهند. فرهنگ منحط غربی، از این قبیل زیاد دارد.

یکی از حرفهایی که می‌زنند، موضوع «حقوق بشر» است. آیا چیزی که غرب از آن دفاع می‌کند حقیقتاً حقوق بشر است؟ آن‌جا که حقوق یك میلیارد و اندی مسلمان، با اهانت به مقدساتشان تضییع می‌شود، سردمداران حقوق بشر ساکتند و بلکه تشویق هم می‌کنند! می‌بینید امروز همه‌ی دستگاههای استکباری و نوکران و مزدوران قلم به دست و جیره‌خوارشان، در دفاع از انسان بی‌ارزشی که «آیات شیطانی» را در معرض دید مردم قرار داد، صف بسته‌اند ؛ همان انسان مرتد ملحد، یعنی سلمان رشدی. این، دفاع از حقوق بشر است!؟ چرا آن‌جا که دویست میلیون مسلمان هندی، حقوقشان تضییع می‌شود و عبادتگاهشان به وسیله‌ی مشتی جاهل متعصب و با تحریك دشمنان اسلام و مسلمین ویران می‌شود، از حقوق بشر دم نمی‌زنند (48)؟! چرا در بوسنی هرزگوین که میلیونها انسان در معرض سخت‌ترین عقوبتهای ظالمانه قرار گرفته‌اند و قتل‌عام می‌شوند و بچه‌ها می‌میرند و زنها نابود می‌شوند و مریضها کشته می‌شوند، از حقوق بشر دفاع نمی‌کنند، یا حداکثر به یك اظهار زبانی اکتفا می‌کنند؟! اگر به راستی طرفدار حقوق بشرند، چرا این‌جاها مرده‌اند؟! چرا در فلسطین که یك ملت را از خانه‌ی خودش آواره کردند ؛ زمینش را غصب کردند و امروز هم به هر مناسبتی فلسطینیها و طرفدارانشان را در لبنان و اردوگاههای فلسطینی رها نمی‌کنند و بمباران می‌کنند، کسانی که طرفدار حقوق بشرند، ساکت می‌نشینند؟ اینها طرفدار حقوق بشرند، یا دروغگو و فریبگرند!؟ حقوق بشر به شیوه‌ی فرهنگ غربی، ضدحقوق بشر، و حقوق ستمگران بر آحاد بشر است. این حقوق بشر، حقوق بشر نیست. ما طرفدار حقوق بشریم و اسلام طرفدار حقوق انسان است. هیچ مکتبی به‌قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده است، اصل «تکریم انسان» است. ما که منتظر نمی‌نشینیم غربیها بیایند حقوق بشر را به ما یاد بدهند یا ما را توصیه به حفظ حقوق انسان کنند! ما خودمان، او ل طرفدار حقوق انسان هستیم. منتها حقوق انسان در سایه‌ی اسلام قابل دفاع می‌شود و حقوق انسان به حساب می‌آید. اسلام است که با احکام خود - همه گونه احکام: چه احکام قضایی و جزایی، و چه احکام مدنی و حقوق عمومی و مسائل سیاسی - از حقوق انسانها دفاع کرده است ؛ نه آنچه که در اختیار آنهاست، نه آنچه که آنها - به فریب - حقوق انسان به حساب آورده‌اند و اسم گذاری کرده‌اند.

ما طرفدار حقوق بشریم و حقوق بشر را هم دنبال خواهیم کرد. کاری هم به گفته‌ی فلان کمیسیون سازمان ملل و فلان کمیته‌ی بین‌المللی نداریم. ما خودمان، به‌خاطر دستور اسلام، طرفدار حقوق انسان هستیم ؛ چون از اصول اسلام است. منتها چیزی را که آنها مطرح می‌کنند، یك فریب و دروغ می‌دانیم. آن از طرفداری‌شان از حقوق زن، این از طرفداری‌شان از حقوق بشر! مستکبرین و مستبدین و غارتگران عالم و بی‌اعتنایان به حقوق ملتها و نابودکنندگان منافع ملتهای ضعیف و اشغالگران سرزمینهای کشورهای ضعیف، امروز پرچم به اصطلاح دفاع از حقوق انسان و

حقوق زن را در دست گرفته‌اند! معلوم است که ملتهای مسلمان نمی‌توانند به اینها اعتنا کنند. مهم این است که شما زنان مسلمان ؛ بخصوص زنان جوان، دختران دانشجو، خانمهایی که به فعالیتهای علمی و اجتماعی و سیاسی اشتغال دارید، این روش اسلامی را با جدیت و اهتمام کامل دنبال کنید. تربیت اسلامی و انقلابی زن مسلمان، مایه‌ی افتخار و مباهات جمهوری اسلامی است. ما به زنان مسلمان خودمان افتخار می‌کنیم. در این راهپیماییها، وقتی دوربینها می‌رود روی چهره‌ی خانمهایی که با حجاب کامل، فرزندانشان را هم در بغل گرفته‌اند و در شرایط دشوار به راهپیمایی آمده‌اند، یا برای اعلام موضع سیاسی، یا در نماز جمعه شرکت کرده‌اند و یا برای کار عبادی، سیاسی به پای صندوقهای رأی رفته‌اند، برای ما افتخار است. خانمهایی که در دانشگاهها مراتب عالیه را در راه تحصیل علم به‌دست آورده‌اند و یا در کنکورهای سراسری در رشته‌های گوناگون رتبه‌ی اول و دوم شده‌اند، وقتی در جامعه‌ی ما نمود پیدا می‌کنند، جمهوری اسلامی سربلند می‌شود و افتخار می‌کند. این، افتخاری است برای احکام نورانی اسلام که در این دوران، این‌گونه مشغول سازندگی است و در جهانی که از همه طرف امواج تبلیغات غلط انحرافی در جریان است، زن مسلمان، با این شجاعت و استقلال رأی، خودش را می‌تواند نشان دهد. اینها از برکات اسلام است.

محیط دانشگاهها بسیار مهم است. در محیط دانشگاهها، خانمهای دانشجو و استاد باید بکوشند روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنند. اجازه ندهید به کسانی - اگر خدای نکرده در دانشگاههای کشور هستند - که نسبت به حجاب اسلامی یا زنان و دانشجویان دختر مسلمان بی‌احترامی کنند. اجازه ندهید که اینها بتوانند افکار فاسد را منتشر کنند. محیط دانشگاه باید محیط اسلامی باشد ؛ محیطی برای رشد انسان طراز اسلام ؛ انسانی که الگویش فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیهاست. و این، برای آینده‌ی کشور فوق‌العاده مهم است. مخصوصاً بعضی از دانشگاهها، مثل دانشگاه تربیت مدرس که در حقیقت يك نهاد انقلابی است، عنایت بیشتری داشته باشند. من همیشه گفته‌ام: انتظاری که ما از دانشگاه تربیت مدرس داریم، حتی از دانشگاههای دیگر ما بیشتر است. اگر چه امروز بحمدالله همه‌ی دانشگاهها در زیر سایه‌ی اسلام فعالیت می‌کنند ؛ اما دانشگاه تربیت مدرس، پرورده‌ی اسلام و مولود اسلام و انقلاب و ساخته‌شده با هدف تربیت استادان و مدرسین عالی‌مقام اسلامی است. لذا انتظار از این دانشگاه، بیشتر از دانشگاههای دیگر است. توجه مسؤولین به این‌گونه مراکز هم باید توجه شایسته و بایسته‌ی آنها باشد.

امیدواریم که خداوند متعال شما را مشمول رحمت و عنایت خود قرار دهد و وجود مقدس ولیّ‌عصر ارواحنافداه و عجل‌الله تعالی فرجه، شما را مورد الطاف خود قرار دهد و روح مقدس امام بزرگوارمان از همه‌ی شما راضی و شاد باشد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

---

41) بحار الانوار: ج 14، ص 206.
42) آل عمران: 42.
43) مناقب» ابن شهر آشوب: ج 3، ص 341.
44) علل الشرایع: ج 1، ص 173. بحار الانوار: ج 43، ص 81 و 82. محجة البیضاء: ج 4، ص 208.
45) همان.
46) بحار الانوار: ج 43، ص 134.
47) احزاب: 32

48) اشاره به تخریب مسجد بابری به وسیله‌ی هندوهای متعصّب در تاریخ 15/09/1371